



سخنرانی در دیدار مسؤولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم - 24 /مرداد/ 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا به همه‌ی شما برادران و خواهران، بخصوص خانواده‌های معظم شهیدان و جانبازان عزیزمان و همچنین رزمندگان و اندیشمندان و علما و راهنمایان جامعه، خوش آمد عرض می‌کنم. این مجلس ما از لحاظ کیفیت، مجلس مهمی است؛ چون قشرهای ممتاز در جامعه‌ی اسلامی و برجستگان نظام اسلامی، در این جا حضور دارند و برخلاف نظامهای مادی، پولداران و خوانین و زورگویان و گردن کلفتان، حضوری ندارند. در نظام اسلامی، کسانی از لحاظ معنوی برجسته‌تر و ممتازترند که فداکاری بیشتر، ایمان بیشتر، عمل صالح و صدق رفتار و گفتار را نشان داده باشند و آنها هم این قشرهای فداکار - شهید داده‌ها، جانبازان، جوانان پرشور و مؤمن و مبارز، خدمتگزاران جامعه، یا کسانی که خودشان را برای خدمت آماده می‌کنند - هستند.

من در این جمع پرشور و صمیمی و مؤمن، مطلبی را عرض می‌کنم که از امهات مسایل فکری ماست. در اسلام، نقطه‌ی اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از این جا شروع می‌شود. قرآن به آن نسلی که می‌خواست با دست قدرتمند خود، تاریخ را ورق بزند، فرمود: "قوا انفسکم"، "علیکم انفسکم". خودتان را مراقبت کنید، به خودتان بپردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید؛ "قد افلح من زکیها". اگر جامعه‌ی اسلامی صدر اول اسلام، از تزکیه‌ی انسانها شروع نشده بود و در آن به اندازه‌ی لازم، آدمهای مصفا و خالص و بی‌غش وجود نداشتند، اسلام پا نمی‌گرفت، گسترش پیدا نمی‌کرد، بر مذاهب مشرکانه‌ی عالم پیروز نمی‌شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی‌افتاد. اگر انسانهای مزکا و مصفا نباشند، جهاد نیست.

انقلاب ما که پیروز شد، به برکت صفا و خلوص و اخلاص و کار برای خدا و بلند شدن از سر منافع مادی و شخصی بود. مقاومت در جنگ تحمیلی هم همین‌طور بود. این شهدای عزیز ما، یا این جانبازان، در اوج صفا و اخلاص، به استقبال شهادت رفتند و شهید شدند و همین شهادتها و مقاومتها و به استقبال خطر رفتنها بود که انقلاب را حفظ کرد، اسلام را عزیز کرد، مسلمین را قوی کرد و دشمنان اسلام و امریکا را خوار نمود.

در درون وجود ما، بزرگترین دشمن ما کمین گرفته و آن، نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستیهای ماست. هر لحظه‌ی که بتوانیم، این مار گزنده و این دشمن کشنده را سر جایی خود بنشانیم - ولو به‌طور موقت - در آن لحظه، ما موفق و سعادتمند و قادر بر عمل و مقاومت و ایستادگی و جهاد فی‌سبیل‌الله هستیم. هر وقتی که این دشمن، سر بلند کند و عقل و نیروی معنوی و نفس رحمانی در وجود ما را سرکوب کند و تحت تأثیر خود قرار بدهد، در آن لحظه، ما در حال سکون و رکود و یا عقب‌گردیم. سکون، یعنی عقب‌گرد. این دو، یکی است.

ما به عنوان کسانی که بار سنگین هدایت بشر و نجات انسان را بر دوش گرفته‌ایم، باید به خودمان بپردازیم، باید نفسهای خودمان را اصلاح کنیم، باید قدرت معنوی انسانی را - که خدا در ما به حد اعلی به ودیعه گذاشته است - از گل و لای شهوات و اهو و هوسها و خودخواهیها و خودپرستیها نجات بدهیم و آن را قوی کنیم. شما جوانان، شما خانواده‌های شهدا، شما جانبازان، شما مبلغان دلسوز و علاقه‌مند در سپاه پاسداران یا در هر نقطه‌ی دیگر، به این مبارزه‌ی درونی اولی هستید.

ما اول باید خودمان را اصلاح کنیم. هر کسی که به اسلام و انقلاب دلبسته‌تر است، باید برای اصلاح نفس خود، عازم‌تر و جدی‌تر باشد. هر کسی که از وضع دنیا، از این زورگوییها و خباثتها و رذالت‌هایی که قدرتها و عریده‌کشاها و قداره‌بندهای جهان انجام می‌دهند، بیشتر ناراحت است، باید بیشتر به خود بپردازد و خود را اصلاح کند. این وضعی



که امروز در دنیاست، ناشی از این لنگی است.

مشکل ملتها، مشکل تسلط و حاکمیت کسانی است که اگرچه لباس انسانی پوشیده‌اند، اما در باطن، یک حیوان درنده‌ی وحشی بی‌ملاحظه‌اند. آن کسی که برایش کشتن هزاران انسان، شیمیایی کردن خانواده‌ها و بچه‌های کوچک، اهمیتی ندارد و به راحتی جنایت می‌کند، او در ظاهر انسان است، ولی در باطن گرگ است. صورت معنوی و حقیقی او، صورتی که در قیامت با آن محشور خواهد شد، صورت یک حیوان وحشی است.

ای دریده پوستین یوسفان

گرگ بر خیزی از این خواب گران

این‌گونه افراد، آن روزی که مرگ گریبان آنها را بگیرد و از خواب گران هذیان‌آمیز زندگی ننگبار خودشان بیدار بشوند، به خودشان که نگاه می‌کنند، خود را گرگ خواهند دید. آن کسانی هم که این وضعیت بد را در دنیا تحمل می‌کنند، نسبت به این همه فاجعه و این همه جنایت در دنیا بی‌تفاوت و خون‌سرد می‌مانند و احساس تکلیف نمی‌کنند، آنها هم از یک ناحیه‌ی دیگر اشکال دارند؛ آنها هم تربیت نفسانی ندارند؛ آنها هم عشق به زندگی و ترس از مرگ، گریبانشان را گرفته است؛ صورت معنوی آنها هم، اگر گرگ نیست، موش است؛ اگر درنده نیست، حیوان قابل دریده شدن و خورده شدن است؛ بره است؛ تعبیر احترام‌آمیزترش این است. روح انسانی، نه اجازه می‌دهد کسی آن‌طور جنایت و ستمگری بکند، نه اجازه می‌دهد انسانی این همه ظلم و ستم را تحمل نماید.

به دنیا نگاه کنید، ببینید چه خبر است. ببینید در این منطقه‌ی ما چه خبر است. این روزها، همه‌ی دنیا متوجه قضایای خلیج فارس و تجاوز عراق به کویت و لشکرکشی و حشرکشی امریکا به منطقه و جنجال قدرتها و دولتها و همانهایی است که تا دیروز پشت سر صدام ایستاده بودند؛ کسانی که به نفع او تحلیل می‌کردند، مقاله می‌نوشتند، بازی سیاسی می‌کردند و قطعنامه می‌دادند؛ چون او در مقابل اسلام ایستاده بود. حالا چهره‌ی صدام در مجلات و روزنامه‌های اینها، یکشبه به یک گول وحشتناک تبدیل شده است! حالا فهمیده‌اند که صدام، حلبچه را بمباران شیمیایی کرده است! حالا فهمیده‌اند که صدام در جنگ ایران، شروع کننده و متجاوز بوده است! حالا فهمیده‌اند که صدام، غیر قابل اعتماد است و در اظهاراتش صادق نیست! حالا فهمیده‌اند که صدام نسبت به ملت خودش، با اختناق ظلم می‌کند! کانه تا آن روزی که منافع خودشان در کویت و عربستان تهدید نشده بود، اصلاً اینها را نمی‌دانستند! یعنی نه رئیس‌جمهور امریکا و نه سایر دولتها می‌دانستند و نه روزنامه‌نگارهای مزدور و قلم‌به‌مزد! حالا همه چیز معلوم شد.

این طرف قضیه هم، صدام یکشبه ضد امریکا و ضد استعمار و ضد سعودی شده است! همان رفیقهای دیروز، همان کسانی که با هم می‌نشستند و آشکارا و علنی، علیه اسلام و مسلمین و علیه انقلاب و پایگاه ضد استکبار - یعنی ایران - توطئه می‌کردند، حالا صدام آنها را متهم می‌کند که شما به امریکا وابسته هستید و ضد اسلامید! آیا تا دیروز اینها به امریکا وابسته نبودند؟! آیا تا دیروز اینها قارون نبودند؟! آیا تا دیروز که برای حمله به دژ مقاومت علیه استعمار و استکبار، کمک صدام بودند، مزدور امریکا نبودند؛ امروز شده‌اند؟! آیا کسی یکشبه ضد امریکایی می‌شود؟! آیا کسی از یک عنصر مهاجم به اسلام و مسلمین و دشمن عنود انقلاب اسلامی و ملت مسلمان، یکشبه تبدیل به یک مدافع اسلام می‌شود؟! حالا صدام سخنرانی می‌کند، به ملت‌های مسلمان خطاب می‌کند و می‌گوید اسلام را حفظ کنید و آن را از دست فهد و مبارک نجات دهید! تا دیروز که اینها حامیان و محافظان اسلام بودند، ولی حالا یکشبه به ضد اسلام تبدیل شده‌اند و تو هم طرفدار اسلام شده‌ی؟! وای بر این اسلام که کسی مثل صدام حسین، طرفدار و مدافع آن شود. اینها نکاتی است که شما باید به آن توجه بکنید. تحلیل قضایای جاری، کار پیچیده‌ی نیست. هر کسی به این صحنه و منظره نگاه کند، می‌تواند قضایا را تحلیل کند. تحلیل، مشکل نیست. آنچه مشکل است، چیز دیگری است. هر کسی به این منظره نگاه کند، تکالب بر حطام دنیا را



می‌بیند - همینی که در روایات ما هست - جنگ کرکسها بر سر جیفه را مشاهده می‌کند. يك کرکس، صدام حسین است؛ يك کرکس، آقای بوش.

صدام که ادعا می‌کند می‌خواهد از ملت خود یا ملت‌های عرب دفاع کند، حرفش چرند و دروغ و مسخره است؛ از قدرت خودش دفاع می‌کند. او کسی است که اگر هزاران نفر، بلکه صدها هزار نفر از ملت خودش در مقابلش بایستند و لازم بدانند آنها را از بین ببرد، يك ثانیه تأمل نمی‌کند و آنها را از بین می‌برد! او برای خود و قدرت و اطماع خویش و برای نفس سیری ناپذیر بشری کار می‌کند؛ همانی که امام به مخاطب خودش فرمودند، اگر همه‌ی دنیا را هم به شما بدهند، باز کمتان است؛ حکومت این کشور که هیچ فعالیت او، برای جیفه‌ی دنیا، برای قدرت و برای دو روز بیشتر بر اریکه‌ی قدرت سوار بودن است. خاک بر سر انسان غافل که فلسفه‌ی وجود خودش را نفهمد و سعادت خود را تشخیص ندهد.

آن طرف قضیه هم که به عنوان دفاع از منافع دنیای آزاد و مقابله‌ی با دیکتاتوری صدام وارد میدان جنگ شده - یعنی امریکا - او هم از دروغگو، دروغگوتر است؛ او هم متجاوز است و برای منافع خود، کار و تلاش می‌کند. کاری که صدام حسین در کویت کرد، عینا همان کاری است که امریکا در حدود يك سال قبل از این در پاناما کرد و چند سال قبل از این در گرانادا انجام داد؛ نوع عربی آن است! آن، نوع امریکاییش بود که يك مقدار با زرق و برق بیشتری همراه بود و جنایتی در زوروق پیچیده و بسته‌بندی شده، بر مردم آن کشورها فرود آمد؛ ولی کار این شخص، نوع عربی و نوع عراقی و نوع صدامیش است! یعنی حقیقت قضیه همان است؛ هیچ فرقی ندارد. قدرتها مثل کرکس‌هایی که به جیفه چشم دوخته‌اند و به هم نوك و چنگال می‌زنند، به جان هم افتاده‌اند. این، تفسیر و تحلیل قضیه است. مدتهاست که امریکا در فکر آن بوده که در خلیج فارس، جای پای مستحکم‌تر و حضور نظامی قویتری داشته باشد. البته در خلیج فارس و در بعضی از کشورهای کوچک و حقیر پایگاه دارد، ولی کمش است! این چیزی هم که حالا پیدا کند، باز کمش است! هرچه پیدا کنند، کمشان است! آن کسی هم که کویت را تصرف کرد، به فکر این است که ساحل و منبع نفتی و قدرت ظاهری و قلدری و زورگویی خودش را توسعه بدهد و بعد از گذشت ده، دوازده سال از گوربه‌گور شدن محمدرضا پهلوی، جای او را بگیرد. او هم همین‌طور بود. تفسیر و تحلیل قضیه، واضح است و پیچیدگی ندارد.

البته موضعگیری هر دولتی، بر حسب منافع خودش است. یکی بدبخت‌تر و درمانده‌تر است؛ مثل آن حسین بیچاره‌ی اردنی که يك عمر به کمک و به اتکای غرب و امریکا و انگلیس زندگی کرده، حالا هم احساس می‌کند که زیر پایش خالی می‌شود. یکی هنوز به امریکا متکی است، یکی هم فکرهای دیگری می‌کند. در شناخت مسأله، هیچ دشواری‌یی نیست.

آنچه که مشکل است، مسأله‌ی بعدی است؛ آن هم نه فهم آن - فهمش آسان است - بلکه عملش مشکل است. مسأله‌ی بعدی این است که بالاخره ملت‌ها تا کی باید وسیله‌ی برای هوسرانی اشخاص و انسان‌های قدرتمند باشند؟ این نظام جهنمی سلطه‌ی که بر دنیا حاکم است، تا کی باید حاکم باشد؟ امروز بازی صدام با کویت است که وارد این کشور بشود و ملت عراق و ملت کویت، زیر فشار قرار بگیرند؛ فردا طور دیگری خواهد بود. دولتهای وابسته به استکبار جهانی و امریکا و غرب، تا کی باید بدون در نظر گرفتن مصالح ملت‌ها، هر کاری که می‌خواهند، با ملت‌های خودش بکنند؟ راه نجات چیست؟ آیا راه نجاتی نیست؟ راه نجات وجود دارد. راه نجات در کشورهای اسلامی، بازگشت به اسلام است. راه نجات، بصیرت نسبت به دشمن واقعی است. ملت‌های مسلمان باید دشمن واقعی را بشناسند و ترفند و خدعه‌ی استکبار را درک کنند.

امروز، آن روزی است که اگر برای کسانی در دنیا، قضایای این یازده سال اخیر و صف‌بندی دنیای استکباری در مقابل جمهوری اسلامی، مبهم بوده و سر در نمی‌آورده‌اند، دیگر بفهمند و بدانند که چرا شرق و غرب و امریکا و



شوروی و اروپا و ارتجاع و ایادیشان در همهی دنیا، دست به دست هم داده‌اند و بالاترین فشارهایی را که می‌توانستند، در این یازده سال بر جمهوری اسلامی وارد کردند. بفهمند این که استکبار از اسلام می‌ترسد، به خاطر آن است که اسلام جلوی همین تجاوزها - تجاوز به حدود و حقوق ملتها و انسانها - را سد می‌کند و می‌گیرد. دولتها هم امروز به خود بیایند و حقایقی را کشف کنند. ببینید این کشورهای حول و حوش قضیه، کشورهای عربی، حتی کشورهای که قدری فاصله هم دارند، چه‌طور به خودشان می‌لرزند و مجبور می‌شوند از امریکا کمک بخواهند و نامه‌ی فدایت شوم به دشمن بنویسند و بگویند داخل خانه‌ی ما بیا و از ما دفاع کن! امریکا دشمن است دیگر. چرا این دولتها در چنین وضعی قرار می‌گیرند؟ چرا خودشان نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند؟! چون ریشه ندارند، چون متکی به مردم نیستند، چون با مردمشان قهرند، چون به مردمشان بد کرده‌اند، چون روح اسلام و ایمان اسلامی را در مردم خودشان کشته‌اند و نفهمیده‌اند که ریشه‌ی کشور و ملتشان را می‌زنند.

حضور امریکا - یک نیروی قلدر و پولدار - در یک کشور، که به اصطلاح برای دفاع هم آمده، مگر برای آن کشور و آن مردم ارزان تمام می‌شود؟ در رژیم گذشته، آن چند سالی که مستشاران نظامی امریکا در کشور ما بودند، با این که مزدور و کارمند و حقوق‌بگیر دولت ایران بودند، در عین حال در موارد زیادی، بر تمام ارکان نظامی و حتی غیر نظامی دولت حاکمیت داشتند و آقایی و فساد می‌کردند و جان و مال و ناموس مردم آن جاهایی که اینها حضور داشتند، در اختیارشان بود. یک درجه‌دار پست، یا یک افسر جزء امریکایی، در نقطه‌ی که مأموریت داشت، ریاست هم داشت و هر کاری دلش می‌خواست، می‌کرد و هیچ چیز مانعش نبود. وقتی که همین نیرو، به عنوان دفاع از یک دولت یا یک کشور، وارد آن سرزمین بشود، مگر مردم و نوامیس آن کشور دیگر حرمتی دارند؟ این نیروها، با مسلمانان ساکن حجاز و عربستان، چه خواهند کرد؟

وقتی در نقطه‌ی برای خودشان پایگاه درست کردند و بر کل منطقه اشراف پیدا نمودند، روزبه‌روز قدرت خودشان را توسعه می‌دهند و قلدریشان را بیش از پیش می‌کنند. حضور امریکاییها، برای آن ملت بیچاره و ملتهای منطقه، مگر ارزان تمام می‌شود؟ ولی خودشان را مجبور می‌دانند. دولت عربستان احساس می‌کند که مجبور است. کویتهایا هم اگر فکر می‌کردند که چنین چیزی پیش می‌آید، به امریکا و دیگران پول می‌دادند، تا بیایند از آنها دفاع کنند! چرا؟ چون در آن‌جا، چیزی به نام اراده و رأی و خواست ملت نیست. حکومت در آن‌جا، بر دوش مردم - نه زیر پای مردم - است.

در یک نظام درست، حکومت مثل سکویی برای مردم است که روی آن سکو پا می‌گذارند، تا اعتلا پیدا کنند. یک حکومت خوب و شجاع، یک دولت دلسوز، مایه‌ی عزت مردم خودش است. ملت ایران به خاطر عظمت امام بزرگوارمان، در دنیا عظمت پیدا کرد. مسؤولان و رهبران و دولت خوب، این است. اما دولت بد، آن دولتی است که بر دوش مردم خود سوار می‌شود، به سر آنها می‌زند، باری بر گردن آنهاست و وزر و وبالی برای آنها می‌باشد. متأسفانه وقتی اسلام در کشوری زنده نبود و حاکمیت نداشت، آن‌طور می‌شود. اینها برای ما عبرت است. مواضع ما، مواضع ثابتی است. ما مثل کشورها و دولتهای دیگر، مواضع متغیر نداریم. شنیدید که دولتمردان عزیز و مسؤولان دلسوز و انقلابی و فداکار ما، مواضع جمهوری اسلامی را قاطع بیان کردند. ما تجاوز را، هم از صدام و هم از امریکا، بشدت محکوم می‌کنیم. ما این ادعاهایی را هم که امروز صدام و امثال او می‌کنند که ضد امریکا هستند، حرفها و شوخیهای بی‌مزه و بی‌تأثیری می‌دانیم. ما می‌گوییم اگر شما راست می‌گویید و ضد امریکایی هستید، بیایید این نظامیهای خودتان را از خاک کشوری که پایگاه مبارزه با امریکا بوده، بیرون ببرید. چرا تاکنون عقب‌نشینی نکرده‌اید؟

ما می‌دانیم و اعتقاد ما این است که هنوز، هم امریکا و هم طرفش صدام، اگر بتوانند علیه اسلام و مسلمین با هم توافق کنند و منافع خودشان را تأمین نمایند، این کار را خواهند کرد. هر دو، ضد مسلمین و ضد انقلاب اسلامی.



این، مواضع ماست.

امریکاییها حق ندارند خودشان را کلاتر دنیا بدانند و در هر جایی که حادثه‌ی هست، فوراً خودشان را به آن جا برسانند؛ یعنی ما صاحب قضیه‌ایم و باید دخالت بکنیم. به شما چه؟! وقتی ملت‌ها زنده باشند و آن روزی که دولت‌ها با اراده‌ی ملت‌ها انتخاب بشوند، برای این فضولی‌های امریکا، به دهن امریکا و امثال او می‌زنند. ملت ایران، قدر اسلام و انقلاب و رهنمودهای امام عزیز و راحلشان را بدانند. اسلام و انقلاب، ما ملت ایران را زنده کرد. نفس گرم ملکوتی آن بزرگمرد، که مثل زمزمه‌ی فرشتگان، بر گوش جان ملت ایران فرو خوانده شد، ما را عزیز کرد.

همین کسی که به کویت تجاوز کرد و دنیا را به هیجان آورد - دنیای بی‌انصافی که در مقابل تجاوز هشت‌ساله به ایران، آن‌طور نامردانه سکوت کرد، بلکه به او کمک نمود - همین آدم، با نیروهایش به ایران حمله کرد و هشت سال زور زد و از همه‌ی دنیا هم کمک گرفت - نه مثل حالا که همه‌ی دنیا به اصطلاح با او قهرند - همه‌ی دنیا هم پشت سرش بودند؛ از امریکا گرفته، تا شوروی و فرانسه و خیلی از کشورهای اروپای شرقی، تا خیلی از ارتجاع منطقه - که حالا خودشان هم می‌گویند پول و همه چیز به او داده‌اند - برای این که بتوانند نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند؛ ولی نتوانستند. همه‌ی تلاششان را کردند، تا بتوانند ایران را تجزیه کنند؛ ولی نتوانستند. قصدشان این چیزها بود دیگر.

آنها که ننگیده بودند، تا هشت سال در خوزستان بمانند و بعد هم بروند سر جای اولشان بایستند. آنها جنگیده بودند، برای این که نظام را ساقط کنند، انقلاب را از بین ببرند، ملت ایران را ذلیل کنند، خوزستان را جدا کنند و ایران را تجزیه نمایند. با این قصدها وارد جنگ شده بودند؛ اما یک مورد، بلکه عشری از اعشار یکی از اهدافشان تحقق پیدا نکرد. چرا؟ چون ملت در صحنه بود، چون شما مردم بودید، چون شما اراده کردید، چون شما به خدا تکیه کردید، چون شما به نصرت الهی امیدوار بودید، چون شما ایستادید و بالاخره چون شما به دهن متجاوز زدید و او ناکام ماند. این روحیه و این حالت و این حضور و این اراده و این وحدت کلمه و این استقلال و اتکال به نفس و اتکا به خدا را حفظ کنید؛ شما عزیزید.

چنین مسأله‌ی، برای هر کشوری که پیش بیاید، آن کشور شکست خواهد خورد. یک نفر را جلو بیندازند، همه‌ی دنیا هم پشت سرش بایستند، تجهیزات بدهند، سلاح شیمیایی بدهند، تکنولوژی بدهند، پول بدهند، متخصص بدهند، حتی نقشه و تاکتیک جنگی روی کاغذ بنویسند و به او بدهند، ماهواره‌ها را در خدمتش قرار بدهند. چنین حمله و تهاجمی، به هر کدام از این کشورهایی که هستند، بشود، قطعاً به زانو درمی‌آید؛ اما ایران به زانو در نیامد و نخواهد آمد و به برکت ایمان مردمی و وحدت کلمه، در مقابل قدرتها همیشه پایدار خواهد ماند.

وحدت کلمه را حفظ کنید. مبدا کسانی یا زبان‌هایی، بدون قصد و غرض سویی، فقط به علت اشتباه و به خاطر این که مصلحت را نمی‌فهمند و نمی‌دانند که چه بگویند، چیزهایی بگویند که مردم را دلسرد بکنند. متأسفانه گاهی در گوشه و کنار دیده می‌شود که بعضیها مصلحت خود و مصلحت انقلاب و ملت را نمی‌فهمند. می‌خواهند با زید بدی کنند، با نظام بدی می‌کنند. می‌خواهند مسؤولی را زیر سؤال ببرند، انقلاب را زیر سؤال می‌برند. نمی‌فهمند که این کار، زیر سؤال بردن انقلاب است. می‌خواهند یک جبهه‌بندی درست کنند، ولی نمی‌فهمند که این جبهه‌بندی، به وحدت ضربه خواهد زد.

البته خوشبختانه مردم ما، از اول این جبهه‌بندیها - یعنی از هفت، هشت سال قبل از این تا حالا - وحدت خود را حفظ کرده‌اند. امام (ره) دایم به گروهها و جناحها می‌فرمودند که این‌طور با هم در نیفتید، این‌طور در مجلس با هم سروکله نزنید و این‌گونه علیه یکدیگر حرف نزنید. در تمام این قضایا، مردم وحدت خودشان را حفظ کردند؛ باز هم حفظ کنید. اگر چهار نفر با هم مخالفند و علیه یکدیگر حرف می‌زنند، بگذارید هر چه می‌خواهند، بگویند و این قدر



بگویند که خسته بشوند. شما جوانان و رزمندگان و دانشجویان، شما خانواده‌های شهدا، شما روحانیون عزیز، شما قشرهای مختلف مردم، فقط به پرچم انقلاب و اسلام نگاه کنید، پشت سر این پرچم حرکت کنید و با مسؤولانتان باشید.

امروز بحمدالله نظام جمهوری اسلامی، ارکان خوبی دارد: دولت خوب، مجلس خوب، قوه قضاییه خوب، نیروهای مسلح مؤمن، آن سپاه، آن ارتش، آن نیروهای انتظامی. پایه‌ها، پایه‌های محکم و خوبی است. وقتی پایه محکم بود، بنا استوار است. حالا در یک گوشه‌اش هم مثلاً ممکن است تار عنکبوتی تنیده باشد، یا گرد و غباری نشسته باشد، یا احياناً گوشه‌ی آجری پوسیده باشد. اشکالی ندارد، آجر پوسیده را بیرون می‌کشیم و یک آجر سالم سر جایش می‌گذاریم؛ اما بنا محکم است.

امروز بحمدالله اسلام بر دلها حاکم است. من می‌بینم و احساس می‌کنم که مسؤولان حقیقتاً با دلسوزی کار می‌کنند. پشتیبانیتان را از مسؤولان حفظ و مضاعف کنید. امروز وقتی انسان به صحنه‌ی سیاسی کشور نگاه می‌کند، بحمدالله خوشحال می‌شود. رئیس‌جمهور، یک چهره‌ی برجسته و ممتاز و مورد محبت امام؛ خیلی از مسؤولان دستگاه اجرایی، جزو سابقه‌دارهای خدمت به انقلاب و اسلام؛ مجلس شورای اسلامی، متشکل از نمایندگان مردمی و بسیاری دلسوز و علاقه‌مند؛ قوه قضاییه، بحمدالله انسانهای عالم و صالح و شجاع؛ و ملت عزیز ما - که پشتوانه‌ی همه‌ی این حرکتهاست - در سطح منطقه، بلکه در سطح جهان، در اوج اقتدار ملی است. همه این‌طور احساس می‌کنند.

ما آمادگی‌های خود را برای مقابله با استکبار، همیشه حفظ می‌کنیم؛ همین حالا هم آماده هستیم. ما قصد تجاوز به هیچ‌کس را نداشتیم، باز هم نداریم؛ اما آماده‌ایم که برای مقابله با تجاوز - هر کس که باشد - اقدام کنیم. صدام هم که تجاوز کند، تودهنی خواهد خورد. امریکا هم که تجاوز کند، تودهنی خواهد خورد. جوانان دانشجو در محیط‌های دانشگاه، به درس و علم و روحیه‌ی انقلابی و اسلامی، حداکثر اهمیت را بدهند. جوانان ببینند که امروز و آینده، چه قدر به وجود آنها احتیاج است؛ خودشان را برای آینده بسازند. امروز هم جوان دانشجو باید مثل همیشه، پیشتاز و پیشگام حرکت انقلابی باشد و خودش را شایسته و صالح برای این مسؤولیتهای بزرگ قرار بدهد.

امیدواریم که خداوند، برکات و فضل و لطف خودش را بر ملت عزیز ما و همه‌ی ملت‌های مسلمان نازل کند و مظلومان را مدد برساند و کید دشمنان را به خود آنها برگرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته